



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۱، پیاپی (۱۱۵)، بهار ۱۴۰۳

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

## سخن فصل

### دولت مستقل فلسطینی؛ واقعیت یا سراب

سید حسین موسوی<sup>۱</sup>

شرق مدیترانه به سبب کشف ذخایر بزرگ انرژی به‌ویژه گاز از اهمیت استراتژیک برخوردار شده است. اکتشاف ذخایر گاز در آب‌های ساحلی نزدیک به سرزمین‌های اشغالی، لبنان و البته غزه و وجود میدان‌های مشترک گازی موجبات افزایش تنش را فراهم آورده است، به‌ویژه آنکه اسرائیل در صدد است که پس از بهره‌برداری کامل از میدان‌های گازی در اختیار و دست‌اندازی به میدان‌های گازی مشترک با لبنان و غزه با احداث لوله و از مسیر قبرس، یونان و ایتالیا به اروپا گازرسانی کند. چنین اقدامی البته افزون بر افزایش تنش با لبنان و فلسطین، از آنجا که رقیب روسیه و ترکیه نیز خواهد بود، می‌تواند به مناقشات گازی مهمی در جهان منجر شود. در سال ۲۰۱۹ برای کاهش تنش و ایجاد هماهنگی میان کشورهای ذی‌نفع در شرق مدیترانه، یک سازمان رسمی منطقه‌ای تحت عنوان «مجمع گازی شرق مدیترانه» ایجاد شد، این سازمان ۷ عضو دارد و دبیرخانه آن در قاهره است. کشورهای عضو عبارت هستند از مصر، قبرس، یونان، رژیم اسرائیل، فلسطین، ایتالیا و اردن. آمریکا و اتحادیه اروپا اعضاء ناظر هستند و فرانسه درخواست عضویت کامل را دارد. البته برخی از اعضا از منظر ترانزیت گاز، عضو این مجمع هستند. سوریه، لبنان، ترکیه و لیبی از ذی‌نفعان مهمی هستند که در این مجمع حضور ندارند. فضای موجود حاکی از آن است که آینده این سازمان به وضعیت ژئواکونومیک گاز در منطقه و جهان بستگی دارد و در صورت بالا رفتن قیمت گاز رقابت شدیدی میان تولیدکنندگان اصلی گاز یعنی آمریکا، روسیه، قطر و البته ایران آغاز خواهد شد.

در حال حاضر اسرائیل علاوه بر استحصال گاز از میدان‌های گازی در اختیار، میدان گازی مارین متعلق به فلسطینیان را هم در اختیار دارد و با استفاده از پالایشگاه بندر عسقلان، گاز را به صورت مایع LNG از طریق مصر به اروپا می‌فروشد. همچنین با توجه به اختلافات مرزی لبنان و اسرائیل بر سر مالکیت منطقه دریایی و وجود ذخایر مشترک گاز و نفت در این حوزه، مذاکرات غیر مستقیمی میان لبنان و اسرائیل با میانجیگری آمریکا در جریان بوده تا امکان بهره‌برداری از این میادین فراهم شود. اما از آنجا که لبنان نقشه‌های جدیدی را ارائه داده که سرزمین‌های بیشتری را طلب می‌کند، این مذاکرات به نتیجه روشنی نرسیده، به‌ویژه آنکه حزب‌الله اعلام کرده که اجازه برداشت یک جانبه از میدان کاریش را به رژیم اسرائیل نخواهد داد. اسرائیل تا کنون تلاش کرده با واسطه‌گری آمریکا در این میدان تجهیزات حفاری مستقر کند اما حزب‌الله با ارسال پهپادهای شناسایی هشدار داد که میدان، مشترک می‌باشد و بخش بزرگ آن در آب‌های سرزمینی لبنان قرار دارد. جنگ روسیه و اوکراین که به کاهش صادرات گاز روسیه به اروپا منجر شده، توجه اروپا به شرق مدیترانه را افزایش داده و در بین کشورهای این حوزه، اسرائیل است که بیشترین پتانسیل رشد صادرات گاز را دارد. همچنین کشف ذخایر گاز در آب‌های سرزمینی ترکیه در دریای سیاه برای ترکیه نیز برگ برنده بزرگی را در گازرسانی به اروپا ایجاد کرده است. ترکیه می‌داند مهم‌ترین راهبرد رژیم اسرائیل برای انتقال گاز تولید شده در میدان‌های تامار و یوتامان به اروپا ایجاد یک خط لوله است که باید از قبرس و یونان عبور کند. خط لوله‌ای با هزینه ۷/۵ میلیارد دلار که لوله‌گذاری آن در آب دو برابر خط لوله «نورداستریم ۲» در دریای بالتیک است. به همین منظور اردوغان برای آنکه اسرائیل قطب گازی نشود، توافقی را با دولت وفاق ملی لیبی امضا کرده که یک منطقه ویژه اقتصادی را بر سر راه این خط لوله قرار می‌دهد، به گونه‌ای که اسرائیل بدون توافق با ترکیه نتواند خط لوله خود را احداث کند. ترکیه در این بازی لوله‌های گاز، کشور قطر را به‌عنوان مهم‌ترین قدرت گازی در خلیج فارس در پشت سر خود دارد و قطر نیز در صدد صدور گاز به اروپا است.

شایان ذکر است ایران با آنکه یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گازی دنیا را در اختیار دارد، اما تنها یک درصد در اقتصاد گاز دنیا سهم دارد. به هر حال چالش‌های شرق مدیترانه را نباید دست‌کم گرفت. درست است که روابط اروپا با اسرائیل آنچنان است که این مسیر شانس بالایی دارد، اما تنش‌ها هم کم نیست، نمونه‌اش جنگ اخیر رژیم اسرائیل علیه غزه است که تا اطلاع ثانوی چنین طرح‌های بزرگی را ناامن می‌کند. از آنجا که احداث خط لوله اسرائیل به اروپا نیاز به سرمایه‌گذاری سنگینی دارد، افزون بر امنیت

اگر قیمت‌ها به صرفه نباشد نیز پروژه اجرایی نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد اروپا نمی‌تواند فعلاً بر روی گاز خاورمیانه و یا شرق مدیترانه حساب کند. میزان صادراتی که از مصر انجام می‌شود در سال ۲۰۱۲، ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن بوده که مجموع صادرات گاز مایع مصر و اسرائیل را به اروپا رقم می‌زند. این حجم از صادرات گاز مصر و اسرائیل به اروپا تنها ۲/۵ درصد از کل گاز اروپا را در سال ۲۰۲۳ تامین کرده است. بهره‌برداری از میدان گازی در آب‌های ساحلی غزه در صورتی که در اختیار حماس می‌بود می‌توانست ثروت قابل توجهی را برای مردم این سرزمین رقم بزند. در حال حاضر دولت خودگردان فلسطینی طرف رژیم اسرائیل است و بنابراین در هر حال عایدات این حوزه به مردم غزه نمی‌رسد. اگرچه تا قبل از جنگ اخیر اقتصاد غزه در حد کفاف بود، اینک با یک اقتصاد ویران روبه‌رو است. ویرانی زیرساخت‌ها، مناطق مسکونی و اداری که بسیار فراتر از جنگ‌های پیشین اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ می‌باشد و در واقع به یک فاجعه اقتصادی و انسانی تبدیل شده که آثار آن تا مدت‌ها بر مردم این سرزمین باقی می‌ماند. این سرزمین حداقل برای ۶ ماه بر اساس برآوردهای حداقلی نیاز به کمک‌های انسانی دارد تا بتواند مجدداً به کار تولیدی بازگردد. نزدیک به ۵۶ هزار خانه کاملاً منهدم شده و ۱۳۲ هزار واحد مسکونی آسیب دیده‌اند. ۱۵۰ کارخانه و ۱۲۰ مدرسه ویران شده، به عبارتی زیرساخت‌های اقتصادی شمال غزه تعطیل شده است. کشتار سازمان یافته نیروی انسانی را نیز باید بر این فهرست سیاه افزود. از سوی دیگر رژیم اسرائیل نیز با یک ناامنی بزرگ ژئوپلیتیک روبه‌رو شده و بسیاری از طرح‌های بلندپروازانه این رژیم در نتیجه این جنگ بر باد رفته است. هزینه این جنگ برای اسرائیل بسیار سنگین بوده و در صورتی که غرب به‌ویژه آمریکا سیل کمک‌ها را به اسرائیل سرازیر نمی‌کردند، معلوم نبود که اقتصاد اسرائیل نیز با چه چالش‌هایی مواجه می‌شد.

ریشه‌های تنش در میان رژیم اسرائیل و فلسطینیان عمیق‌تر شده است. به نظر نمی‌رسد راه‌حل‌ها و نسخه‌هایی که برای کاهش این تنش پیچیده می‌شود، حتی در میان مدت به جایی برسد. برای فلسطینیان راه‌حلی جز مقاومت وجود ندارد. شاید این نیاز پدید آمده باشد که حماس شبیه لبنان از منافع خود در آب‌های سرزمینی غزه برای در اختیار گرفتن بهره‌برداری از میدان گازی مارین تلاش‌های بیشتری معمول کند.